

## چرا خسته نباشم



### چرا خسته نباشم؟

مگر سفره هفت سین من چه دارد؟  
جز شاخه حسرت و گل یاس  
بگزار بیاشم مروارید  
در مزار آرزو ها  
شاید سبز شود شاخه نا امیدی  
بدهد گل مراد  
شاید گریه نکند ابر نیسان  
در سرزمینی سیاه اندیشان  
چرا خسته نباشم؟  
مگر شب یلدای من بی پایان رسید که نوروز آمد؟  
مگر خسوف و کسوف آسمان دلم پایانی دارد؟  
که روشنایی را لبیک گویم  
آری خسته ام از این دو رنگی زمان  
که بر دلم خوشه اندوه میکارد  
تا سبز شوم و دو رنگ

آری، خسته ام از این خون ناحق که  
بر مزار بی تفاوتی ها میبارد  
شاید خوشه های خشم،  
دانه های انتقام بکارد  
ولی من باز خسته خواهم ماند  
حسرتا ، عمری که در پای انتظار طی کردم  
چون کاسه نان گدا ،  
تهی از شادی هاست



نوروز بر دلم خیمه نمیزند  
این جا قطب شمال است  
و سر زمین یخ  
خورشید ممنوع ورود ست  
ربوده سیاه دیوی،  
جواز عبور را  
و دخترک برفی  
آرزوهایش را به یخبندان سپرده  
انتظار بیهوده ست  
چرا خسته نباشم؟  
آنکه به چهلچراغ برساند مرا  
غباری از وهم است  
چرا خسته نباشم؟  
که دانم تلاشم بدرازای بیهوده گیست  
سوما کاویانی  
۲۰۱۵/۰۳/۲۰